

Validating the Prophet's Intellectual Heritage and Imam Ali's Role in Transmitting the Specific Knowledge of Imams

Masoumeh Esmaeili¹

(Received on: 2022-09-01; Accepted on: 2023-02-27)

Abstract

According to existing classifications, the sources of the Imam's knowledge, as the origins of the specific knowledge of the Imam, include several elements such as the Holy Quran, the knowledge of Prophet Muhammad, the knowledge of the previous prophets, the preceding Imam, the comprehensive book. *al-Jāmi'a*), *Jafr*, the Holy Spirit, and divine inspiration. The central issue of this article is how the role of Prophet Muhammad as a source of the Imam's knowledge compares to other sources, and how Imam Ali facilitates the transmission of this knowledge to the other Imams. Researchers typically list all the sources of the Imam's knowledge as being on equal footing; however, this article argues that, firstly, the role and significance of the Prophet in the creation of these sources are not on par with other sources, and secondly, sources such as the intellectual legacy of the prophets, divine books, the knowledge derived from the Quran, the comprehensive book, and Jafr are not independent sources on the same level as Prophet Muhammad's status as a source. Instead, all of these sources are, in fact, content derived from Prophet Muhammad's heritage, which was transmitted to Imam Ali through him. Consequently, the sources of the Imam's knowledge should be divided into two categories: the heritage of Prophet Muhammad and divine sources, rather than the two categories of "heritage sources" and "divine sources," because all the sources mentioned as "heritage sources" are, in reality, part of the single source known as the heritage of the Prophet. This issue is proven in the present article through an analytical method based on the hadiths found in Shia hadith sources.

Keywords: Imam's knowledge, Prophet Muhammad, Imam Ali, the Prophet's intellectual heritage.

1. Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Huda College (Jami'at al-Zahra), Qom, Iran.
Email: hoda.dresmaeli@hu.jz.ac.ir

اعتبارسنجی میراث علمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و طریقت حضرت علی علیه السلام در علم خاص امام

معصومه اسماعیلی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰]

چکیده

منابع علم امام به عنوان خاستگاه‌های علم خاص امام، طبق دسته‌بندی‌های موجود، شامل موارد متعددی چون قرآن کریم، علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، انبیا، امام قبل، جامعه، جفر، روح القدس و الهام است. مسئله مقاله این است که نقش منبع بودن رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به سایر منابع علم امام و طریقت حضرت علی علیه السلام در رساندن این منبع علمی به سایر ائمه علیهم السلام چگونه است. محققان معمولاً همه منابع تأثیرگذار در علم امام را در عرض یکدیگر ذکر می‌کنند؛ اما ادعای مقاله این است که اولاً نقش و اعتبار رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد منابع، دانشی در عرض سایر منابع نیست و ثانیاً منابعی چون میراث علمی انبیا، کتب آسمانی، علوم حاصل از قرآن کریم، جامعه و جفر، منابع مستقلی در عرض منبع بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محسوب نمی‌شوند؛ بلکه همه این منابع، در حقیقت محتوای میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که از طریق ایشان به حضرت علی علیه السلام منتقل شده است. نتیجه اینکه منابع علم امام باید به جای دو دسته منابع میراثی و منابع ربانی به دو دسته «میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و منابع ربانی» تقسیم شود؛ چراکه تمام آنچه با لفظ جمع، منابع میراثی ذکر شده در حقیقت یک منبع به نام میراث پیامبر صلی الله علیه و آله است. این مسئله در مقاله حاضر به روش تحلیلی و بر اساس روایات موجود در منابع حدیثی شیعه به اثبات رسیده است.

کلیدواژه: علم امام، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، میراث علمی پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشکده هدی (وابسته به جامعة الزهراء علیها السلام)، قم، ایران (نویسنده مسئول) hoda.dresmaeli@hu.jz.ac.ir

بیان مسئله

علم امام از صفاتی است که مورد اعتقاد شیعه امامیه بوده و از مختصات مقام امامت است. این علم، علمی موهوبی، حضوری، تفصیلی، فعلی و خطاناپذیر است. تفاوت دانش امام و علم سایر انسان‌ها در همه صفات مذکور است. بنابراین امام دارای دانشی موهوبی است که تفاوت علمی، او را با دانش اکتسابی سایر انسان‌ها مشخص می‌کند. مسئله علم امام نزد متکلمان و محدثان در سه حوزه «قلمرو، ویژگی‌ها و منابع» مورد بحث قرار می‌گیرد. یکی از سؤال‌های اساسی در بحث علم خاص امام این است که خاستگاه آن کجاست. منشأ این سؤال، روایاتی است که منابعی را برای دانش امام معرفی می‌کنند؛ اما وجود منابع برای علم امام بدین معنا نیست که دانش ایشان اکتسابی و حصولی است؛ چراکه علم حصولی از راه تفکر، استدلال و تلمذ و به شیوه تدریجی حاصل می‌شود، در حالی که دانش امام، بر اساس روایات به شکل دفعی در دسترس امام قرار گرفته و علمی حضوری است (مظفر، بی تا: ص ۲۶) که طبق تعبیر روایات، گویا در کف دست ایشان قرار گرفته «عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي فِيهِ خَبَرُ السَّمَاءِ وَخَبَرُ الْأَرْضِ وَخَبَرُ مَا كَانَ وَخَبَرُ مَا هُوَ كَائِنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۲۹، ۵۶۱) یا در سینه امام قرار داده شده «عن عبد الرحمن بن كثير عن أبي عبد الله قال: قال الذي عنده علم من الكتاب أنا آتيك به قبل أن يرتد إليك ظرْفُكَ، قال: ففرَّج أبو عبد الله بين أصابعه فوضَّعها في صدره، ثم قال: وعندنا والله علم الكتاب كله» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۲۹) است؛ بنابراین منابع علم امام از جنس منابع بشری و اکتسابی نیست. در توضیح می‌توان گفت که منابع علم امام شامل مواردی چون الهام، روح القدس و تحدیث با فرشتگان است که موجب علم موهوبی است؛ چراکه علم غیر اکتسابی، به شیوه هبه الهی در اختیار امام قرار می‌گیرد و سایر منابع نیز موهوبی هستند، منابعی چون میراث پیامبر اکرم ﷺ که طبق ادعای مقاله شامل میراث انبیا، علم امام سابق، علم به قرآن، جفر، جامعه و صحیفه می‌شوند. دلیل این مطلب این است که علوم قرآن به گونه ای در اختیار امام است که

احدی توان ادعای این حیطة از علم به قرآن را ندارد و علوم موجود در جفر و جامعه و صحیفه نیز، دانشی نیست که بشرِ عادی با اکتساب و تلمذ به دست آورد؛ بلکه فراتر از توان علمی انسان عادی و حتی مجتهدین است؛ پس میراث، به نوعی هبه محسوب می‌شوند؛ چراکه مثلاً طبق روایت، تمام علم هر امام در آخرین لحظه از عمر ایشان به امام بعد منتقل می‌شود «عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مُسْكِينٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَى يَعْرِفُ الْأَخِيرُ مَا عِنْدَ الْأَوَّلِ؟ قَالَ فِي آخِرِ دَقِيقَةٍ تَبْقَى مِنْ رُوحِهِ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ وَجَمَاعَةٍ مَعَهُ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: يَعْرِفُ الَّذِي بَعْدَ الْإِمَامِ عِلْمَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، فِي آخِرِ دَقِيقَةٍ تَبْقَى مِنْ رُوحِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۷۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۴۷۷؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۴۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۱۶۳). بنابراین این علم به صورت هبه الهی در وجود امام قبل جلوه گر شده و به نحو کشف حضوری در دسترس امام بعد است. علوم موجود در صحیفه حضرت زهرا علیها السلام نیز حاصل گفتگوی حضرت زهرا علیها السلام با جبرائیل است که علمی وحیانی و موهوبی محسوب می‌شود. دامنه علوم موجود در جفر و جامعه نیز به همین شکل است. بنابراین وجود منابع برای علم امام تنها به معنای کشف خاستگاه علم ویژه امام است که از طرق مختلف به ایشان هبه شده است و به معنای اکتساب این علم از طریق کسب دانش حصولی نیست.

اکنون که منظور از منابع علم امام مشخص شد، نوع نگاه محققان علم امام به مسئله منابع این دانش ویژه، مورد سؤال است. محققان در پاسخ به این سؤال که منبع علم امام چیست، معمولاً به اصل وجود منابع یا تقسیم‌بندی آنها در عرض یکدیگر دقت می‌کنند و منابع را به دو دسته منابع میراثی و ربانی تقسیم می‌کنند و در هر دو دسته، منابع موجود در روایات را در عرض یکدیگر ذکر می‌کنند؛ درحالی‌که نسبت و اعتبار همه منابع با هم یکی نیست؛ بلکه می‌توان وجه جامعی در میان برخی منابع یافت و برخی را زیر چتری واحد قرار داد. در میان منابع میراثی علم امام، به علوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انتقال این علوم به ائمه علیهم السلام به عنوان یکی از منابع میراثی و در عرض سایر منابع میراثی اشاره شده است و این شائبه را ایجاد کرده که این منابع از نظر اعتبار و میزان انتقال

علم به امام در عرض یکدیگر هستند. مسئله مقاله این است که نقش منبع بودن پیامبر ﷺ در علوم ائمه علیهم السلام و طریقت حضرت علی علیه السلام چگونه است و اینکه آیا نقش حضرت رسول اکرم ﷺ هم عرض با سایر منابع است. برای پاسخ به این مسئله، روایات موجود در منابع حدیثی شیعه به روش تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت و با تحلیل روایات، نتیجه مقاله به دست آمد.

منبعیت در مقاله حاضر به معنای خاستگاه علم امام است؛ بنابراین منبعیت پیامبر اکرم ﷺ بدین معناست که ایشان خاستگاه علم ائمه علیهم السلام هستند و بخش زیادی از علوم ائمه علیهم السلام از منبع میراث پیامبر ﷺ حاصل آمده است. همچنین طریقت به معنای واسطه گری است و طریقت حضرت علی علیه السلام در علم امام به معنای این است که ایشان واسطه رساندن میراث علمی پیامبر ﷺ به ائمه علیهم السلام هستند. ادعای مقاله این است که وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ، از نظر اعتبار و میزان دانش افزایی با سایر منابع، قابل مقایسه نیست؛ به علاوه، ایشان منبعی است که سایر منابعی چون علم پیامبران گذشته، کتب مقدس، قرآن کریم، جفر و جامعه را پوشش داده است. بنابراین نگارنده پیشنهاد می کند که از این پس، تقسیم جدیدی در منابع علم امام انجام شود، بدین شکل که منابع تاکنون به دو دسته منابع میراثی و منابع ربانی تقسیم شده که به شکل زیر طبقه بندی می شدند:

منابع ربانی	منابع میراثی
الهام	قرآن کریم
روح القدس	علوم پیامبر اکرم ﷺ
تحدیث با فرشتگان	علوم امام قبل
	میراث انبیا
	جفر
	جامعه
	صحیفه

پیشنهاد مقاله بر اساس تحلیل محتوای منابع میراثی این است که از این پس، دسته‌بندی منابع به شکل زیر انجام شود:

منابع ربانی	میراث پیامبر اکرم ﷺ
الهام	
روح القدس	
تحديث با فرشتگان	

بنابراین به جای استفاده از لفظ جمع منابع میراثی، از اصطلاح میراث پیامبر اکرم ﷺ استفاده شود؛ چراکه حقیقت این است که تمام منابعی که در دسته منابع میراثی ذکر می‌شدند، در واقع یک منبع هستند که میراث پیامبر اکرم ﷺ است. این ادعا در مقاله حاضر به اثبات می‌رسد.

پیشینه

درخصوص موضوع علم خاص امام، کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است که به ابعاد مختلفی چون قلمرو علم امام، منابع، ویژگی‌ها یا ماهیت علم پرداخته‌اند. اهمیت مسئله و وجه نوآوری در مقاله حاضر، با ملاحظه پیشینه تحقیقات، قابل احراز است. در میان کتب و مقالات نگاشته شده، اگرچه منابع علم امام از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته، اما وجه امتیاز رسول بزرگوار اسلام ﷺ به عنوان منبع اصیل علوم میراثی و هم‌عرض نبودن میراث علمی ایشان با سایر منابع علمی و انتقال همه این علم از طریق حضرت علی (ع)، مورد توجه قرار نگرفته است. کتاب منابع علم امامان شیعه از جناب محمد جعفر سبحانی، منابع علم امام را به دو دسته منابع عام و منابع خاص تقسیم کرده است و در این دو دسته، همه منابع را در عرض یکدیگر ذکر کرده است. همچنین یکی از مهمترین آثار، کتاب علم امام، بررسی تاریخی

و کلامی از علی هاشمی است که در فصل سوم با عنوان «روش های علم آموزی ائمه علیهم السلام» در روایات، این روش ها را در چند دسته میراث مکتوب و ویژه ائمه علیهم السلام، امداد علمی ارواح قدس، ارتباط با فرشتگان و تحدیث، الهام، شهود و خردورزی تقسیم کرده است. همان طور که پیداست نویسنده در تقسیم بندی منابع به عنوان روش ها، ابداع به خرج داده، اما همه را در عرض یکدیگر معرفی نموده است؛ در حالی که مسئله مقاله حاضر این است که ائمه علیهم السلام غیر از منابع الهامی دارای یک منبع میراثی هستند، نه منابع متعدد میراثی. میراث پیامبر اکرم ﷺ شامل بقیه منابع میراثی نیز هست و آنها در عرض منبعیت پیامبر اکرم ﷺ به عنوان منابع مستقل میراثی محسوب نمی شوند.

درباره این موضوع مقالاتی نگاشته شده است. مقاله «منابع و گستره علم امام در مشارق انوار الیقین بررسی» (احتشامی نیا: ۱۴۰۰: ص ۹۹-۱۲۶) که منابع علم امام را در عرض یکدیگر به عنوان ابعاد علم امام مورد بررسی قرار داده است و مقاله «منابع علم امام از منظر اندیشمندان مدرسه کلامی قم؛ مطالعه موردی برقی، کلینی، صدوق» (زیدی، ۱۳۹۵: ص ۶۳-۸۴)، منابع علم امام را به دو دسته الهامی و وراثت تقسیم کرده و همه منابع را در عرض یکدیگر در این دو دسته جای داده است. نیز مقاله «منابع علم امام از نگاه متکلمان قم و بغداد» (نادم؛ افتخاری، ۱۳۹۴: ص ۵۵-۸۰)، منابع علم امام را به الهامی و وراثت تقسیم کرده و منابع را در عرض یکدیگر مورد بررسی کیفی قرار داده است.

همچنین مقاله «تحلیلی درباره جفر و جامعه، دو منبع علم امام» (شجاعی؛ فرضی پوریان، ۱۳۹۶: ص ۷۷-۹۸)، این دو منبع را به عنوان دو منبع مستقل و در عرض یکدیگر مورد بررسی قرار داده و مقاله «جفر و جامعه و رابطه آنها در علم امامان شیعه» (محمدزاده؛ نیرومند؛ مرتضوی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۵-۱۴۶) به این نتیجه رسیده که این دو منبع از یکدیگر مستقل هستند و دو منبع جداگانه برای علم امام محسوب می شوند.

مقاله «واکاوی جایگاه رسول خدا ﷺ در دانش الهی امام» (شاکر؛ ربیعی، ۱۳۹۵: ص ۷۳-۸۸) با رویکردی تحلیلی تلاش کرده پس از تقسیم منابع دانش امام، به علومی بپردازد که از طریق پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام انتقال یافته است. توجه ایشان به قلمرو علم بوده است و به اصالت منبع بودن وجود مقدس پیامبر ﷺ نسبت به سایر منابع، عدم استقلال منابع میراثی از وجود مقدس پیامبر ﷺ و هم‌عرض نبودن پیامبر ﷺ با سایر منابع علم امام نپرداخته است؛ درحالی‌که مسئله مقاله حاضر، نقش نبی مکرم اسلام ﷺ در علوم ائمه علیهم السلام نسبت به سایر منابع و اثبات این نکته است که سایر منابع، مستقل نبوده، بلکه از زمره علم پیامبر ﷺ هستند که از طریق حضرت علی علیه السلام به سایر ائمه علیهم السلام می‌رسند. بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که مسئله مورد بحث در مقاله حاضر، دارای وجه نوآوری است؛ زیرا وجود مقدس پیامبر ﷺ را منبع مستقل علوم میراثی امام قلمداد می‌کند، به نحوی که سایر منابع میراثی در عرض ایشان قرار ندارند و منابع مستقلی محسوب نمی‌شوند؛ بلکه در دایره میراث نبی مکرم اسلام ﷺ هستند که از طریق حضرت علی علیه السلام به سایر ائمه علیهم السلام انتقال یافته‌اند. این مطلب در مقاله از طرق زیر و در سه عنوان اثبات شده است:

- ۱- نقش رسول اکرم ﷺ در انتقال علوم انبیا به امامان معصوم علیهم السلام
- ۲- انتقال علم وسیع پیامبر اکرم ﷺ به امامان معصوم علیهم السلام
- ۳- نقش پیامبر ﷺ در ایجاد منابع علم برای امامان معصوم علیهم السلام

۱- نقش رسول اکرم ﷺ در انتقال علوم انبیا به ائمه علیهم السلام و اثبات طریقت حضرت علی علیه السلام

وراثت، یکی از راه‌های دانش امام محسوب می‌شود و امام در روایات با تعابیری چون «مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۲۱)، «شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ» (همان) و «وَرِثَةُ الْأَوْصِيَاءِ» (همان: ج ۱، ص ۲۲۳؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۰۵؛ کوفی، ۱۴۱۰: ص ۲۸۵؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۱۹) شناخته شده است؛ بدین معنا که امام وارث پیامبران بوده (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۲۴)^۲، دارای دامنه علوم انبیای قبل

(مفید، ۱۴۱۳ (الف): ج ۲، ص ۱۸۸؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۱۰؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۲۸۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۷۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۳۷۲؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۷۱)^۲، علم به کتب آسمانی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۹۶؛ قیس الهلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۷۱۳؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۰۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۱۹؛ فرات الکوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۸؛ ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴: ص ۲۰۷؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۸۱؛ مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۱۹۷؛ ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۶۴۳؛ همو، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۰۷؛ همو، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۵۳؛ مفید (ب)، ۱۴۱۳: ص ۲۲۲؛ علوی، ۱۴۲۸: ص ۷۳؛ طبری املی، ۱۴۱۳: ص ۹۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۳۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۱۱؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳: ص ۳۱۸؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۲۴۲؛ بهاء الدین نیلی، ۱۳۶۰: ص ۱۸۱؛ حافظ برسی، ۱۴۲۲: ص ۳۰)^۴ و علوم نبی مکرم اسلام ﷺ و امام قبل از خویش است؛ البته مبحث میراث علم از انبیا ﷺ، گاه در خصوص مطلق ائمه ﷺ بحث شده و گاه با نام حضرت علی علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۲۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۷۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۲۱)؛ چراکه انتقال وصیت های جمیع انبیا به اوصیای خویش و وصیت حضرت رسول ﷺ، اول به حضرت علی علیه السلام انجام شده سپس به واسطه ایشان به یکایک ائمه منتقل شده و به ارث رسیده است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۲۰۶)؛ چنان که طبق روایات، این علوم نزد اهل علم است و ائمه ﷺ، همان اهل علم اند «عن أبي عبد الله عليه السلام أنه سألَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، مَا الزَّبُورُ وَمَا الذِّكْرُ؟ قَالَ: الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالزَّبُورُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى دَاوُدَ وَكُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ فَهُوَ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَنَحْنُ هُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۲۶).

بنابراین همه علوم انبیا ﷺ و کتب مقدس، میراث پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ است و دلیل این مطلب، وجود روایات در این زمینه است که پیامبر اکرم ﷺ وارث انبیا ﷺ بوده و ائمه ﷺ وارث ایشان هستند و علوم انبیا را از طریق پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ به دست می آورند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۲۵؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۳۵) که همه این علم، ابتدا به حضرت علی علیه السلام انتقال یافته و از طریق ایشان به ائمه ﷺ خواهد رسید.

۲- انتقال علم وسیع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ائمه علیهم السلام به واسطه حضرت علی علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای دامنه گستره‌ای از علم است که این دامنه غیر از علوم انبیاست و تمام این دامنه به امام، به عنوان خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و واسطه میان خداوند متعال و خلق انتقال یافته است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۲۰۷) و البته وراثت علم پیامبر صلی الله علیه و آله اولاً و بالذات متعلق به حضرت علی علیه السلام است (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۳۲۵؛ مفید، ۱۴۱۳ (ب): ص ۲۷۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۳، ص ۲۳).

وجود ۲۲ حدیث در بصائر الدرجات، ۷ حدیث در الکافی در خصوص انتقال علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ائمه علیهم السلام، نشان‌دهنده انتقال این علم است. اضافه بر این تعداد، ۱۰ حدیث در بصائر الدرجات، ۳ حدیث در الکافی و ۳ حدیث در الوافی در خصوص شراکت حضرت علی علیه السلام در علم پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای انتقال دامنه وسیعی از علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۶۳؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۹۳).

در روایات، میراث از پیامبر صلی الله علیه و آله گاه به صورت عام بیان شده و گاه به موارد انتقال یافته، اعم از علم و سایر موارد اشاره شده است؛ مثلاً در حدیثی به صحیفه‌ای مهر و موم شده (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۳۷۷) اشاره شده که نزد ام سلمه بوده است. با این توصیف که هنگام درگذشت پیغمبر صلی الله علیه و آله دانش ایشان، سلاحش و هر چه نزد او بود (از نشانه‌های امامت) به امام علی علیه السلام به ارث رسید، سپس از ایشان به ترتیب به امام حسن و امام حسین علیهم السلام منتقل شد «عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّهُ دُفِعَتْ إِلَيَّ أُمَّ سَلَمَةَ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا قَبِضَ وَرِثَ عَلَيَّ علیه السلام عِلْمَهُ وَسِلَاحَهُ وَمَا هُنَاكَ ثُمَّ صَارَ إِلَى الْحَسَنِ علیه السلام ثُمَّ صَارَ إِلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام فَلَمَّا خَشِينَا أَنْ نُغْشَى اسْتَوْدَعَهَا أُمَّ سَلَمَةَ، ثُمَّ قَبَضَهَا بَعْدَ ذَلِكَ عَلَيَّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: فَقُلْتُ نَعَمْ ثُمَّ صَارَ إِلَى أَبِيكَ ثُمَّ انْتَهَى إِلَيْكَ وَصَارَ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَيْكَ قَالَ نَعَمْ» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۲۳۲). با این انتقال، ابزار مقام امامت در دست امام بوده و کار ایشان با

وجود این دامنه علمی، کامل می شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۶۶۱)؛ مثلاً در روایتی آمده است که خداوند متعال، علم تأویل را به رسول اکرم ﷺ عطا کرده و حضرت رسول اکرم ﷺ این علم را به حضرت علی علیه السلام آموخت «إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ رَسُولَهُ الْحَرَامَ وَالتَّأْوِيلَ فَعَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا ذَلِكَ كُلَّهُ» (مفید، ۱۴۱۳ (ب): ص ۲۷۸).

۳- نقش پیامبر ﷺ در ایجاد برخی از منابع علم برای امامان معصوم علیهم السلام

میراث پیامبر ﷺ حاوی علوم فراوانی است؛ مثلاً علم امام به قرآن در حقیقت میراث علمی پیامبر اکرم ﷺ است؛ چراکه کتاب الهی در روایات به عنوان میراث امام ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۲۱۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۴۴؛ کوفی، ۱۴۱۰: ص ۳۴۷؛ طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ص ۶۰۰؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۳؛ همو، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۰۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۰۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴: ص ۱۱۲).

علم امام به قرآن شامل ظاهر و باطن و علم به تفسیر و تأویل آیات قرآن است؛ چنان که حضرت علی علیه السلام دارای علم به ظاهر، باطن و تأویل آیات بوده و به وجوه و علوم قرآن، مانند ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید و مجمل و مبین آیات آگاه است (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۰). ایشان علم خود به قرآن را شامل علم به آنچه نازل شده، زمان نزول، کیفیت نزول و موطن نزول معرفی می کند «وَاللَّهُ مَا نَزَّلَتْ آيَةً إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيمَا نَزَّلَتْ وَأَيْنَ نَزَّلَتْ وَعَلَى مَنْ نَزَّلَتْ إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا وَلِسَانًا نَاطِقًا» (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۴۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۳).

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل: ۴۰)، علم همه قرآن را نزد خویش می داند «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ، قال: فقَرَجَ أبو عبد الله عليه السلام بين أصابعه

فَوَضَعَهَا فِي صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَعِنْدَنَا وَاللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلِّهِ» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۳۶۴) و امام باقر علیه السلام در ضمن آیه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد: ۴۳)، منظور از دارندگان علم کتاب را امامان معصوم علیهم السلام می داند و حضرت علی علیه السلام را اولین عالم و افضل ایشان معرفی می کند «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ قَالَ ذَاكَ وَصِيِّ أَخِي سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، قَالَ ذَاكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ص ۵۶۵؛ هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۹۰۳).

بنابراین آیه مذکور و تفسیر امام از آیه، دال بر علم امام بر روح آیات به معنای علم تفصیلی مأخوذ در لوح محفوظ است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ج ۷، ص ۵۱)؛ البته انسان ظاهر بین تنها ظاهر قرآن بین دو جلد را درک کرده و به کنه آن پی نمی برد (همان: ج ۷، ص ۳۷)؛ اما امام، دانشی فراتر از قرآن مکتوب داشته و بر روح و همه بواطن آن آگاه است و از آنجا که این کتاب بر رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده، این گستره از دانش از طریق حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در اختیار امام علی علیه السلام قرار داده شده و از طریق ایشان به سایر ائمه علیهم السلام انتقال یافته است «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: مَا أَدْعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ، كَمَا أُنْزِلَ إِلَّا كَذَّابٌ وَمَا جَمَعَهُ وَحَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۲۸)؛ یعنی علم کتاب در آیه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (نمل: ۴۰) نزد ائمه علیهم السلام است «عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، قَالَ: إِنَّا نَا عَنِّي وَعَلِيُّ أَوْلُنَا وَأَفْضَلُنَا وَخَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۲۹).

همچنین منبعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دانش خاص امام به جامعه و جفر، موضوعی مهمی است. ائمه علیهم السلام از کتابی به املائی پیغمبر صلی الله علیه و آله و خط حضرت علی علیه السلام به نام جامعه، به عنوان یکی از منابع علم خویش اطلاع داده اند «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ مَا

الْجَامِعَةُ قَالَ: صَحِيفَةُ طُولِهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِمْلَائِهِ مِنْ فَلَقٍ فِيهِ وَخَطٌّ عَلَيَّ بِيَمِينِهِ، فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَحَرَامٍ وَكُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْخَدَشِ» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۳۴۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۴۳) و برخی اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام و فرزندش امام صادق علیه السلام مانند سُوید بن ایوب و ابو بصیر، آن را نزد ایشان دیده اند (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۹۳). جامعه در حقیقت میراث پیامبر ﷺ محسوب شده و منبعی مستقل در عرض میراث علمی پیامبر ﷺ نیست که توسط حضرت علی علیه السلام کتابت شده و در اختیار بقیه ائمه علیهم السلام قرار گرفته است؛ حتی اهل سنت نیز به وجود این منبع اعتراف کرده اند و آورده اند که امام رضا علیه السلام در پشت عهدنامه ای که مأمون با آن، حضرت را علی رغم میل باطنی ایشان به ولایتعهدی مسلمین منصوب کرد، نوشته است: «و جامعه و جفر، دلالت بر ضدّ این امر می نمایند» (ایجی، ۱۳۲۵: ج ۶، ص ۲۲؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۵، ص ۲۶۸).

جفر نیز در روایات از منابع علم خاص امام دانسته شده که حاوی علم انبیا و اوصیا و علم دانشمندان گذشته بنی اسرائیل است «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ ... وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجُفْرَ وَمَا يَدْرِيهِمْ مَا الْجُفْرُ؟ قَالَ قُلْتُ وَمَا الْجُفْرُ؟ قَالَ وَعَاءٌ مِنْ أَدَمٍ فِيهِ عِلْمُ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ وَعِلْمُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ مَضَوْا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۳۹) و حتی نگاه در آن از نشانه های امام معرفی شده است «عَنْ نُعَيْمِ بْنِ قَابُوسَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ ابْنِي أَكْبَرَ وَلَدِي وَأَسْمَعُهُمْ لِقَوْلِي وَأَطُوعُهُمْ لِأَمْرِي يَنْظُرُ مَعِيَ فِي كِتَابِي الْجُفْرِ وَالْجَامِعَةِ وَلَيْسَ يَنْظُرُ فِيهِ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۱). این منبع به دو نوع جفر سفید و جفر سرخ تقسیم می شود که جفر سفید، شامل زبور داوود علیه السلام و تورات حضرت موسی علیه السلام و انجیل عیسی علیه السلام و صحف حضرت ابراهیم علیه السلام و حلال و حرام و مصحف حضرت فاطمه علیها السلام می شود (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۳۴۷) و جفر سرخ هم شامل اسلحه است که تنها برای خون خواهی گشوده شده و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از آن استفاده خواهد کرد «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي

الْعَلَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: عِنْدِي الْجَفَرُ الْأَبْيَضُ، قَالَ قُلْنَا وَأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ؟ قَالَ فَقَالَ: لِي زُبُورُ دَاوُدَ وَتَوْرَةُ مُوسَى وَانْجِيلُ عِيسَى وَصُحُفُ إِبْرَاهِيمَ وَالْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ مَا أَرَعُمُ أَنَّ فِيهِ قُرْآنًا وَفِيهِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْنَا وَلَا نَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ حَتَّى إِنَّ فِيهِ الْجِلْدَةَ وَنُصْفَ الْجِلْدَةِ وَثُلُثَ الْجِلْدَةِ وَرُبْعَ الْجِلْدَةِ وَأَرْشَ الْخَدَشِ وَعِنْدِي الْجَفَرُ الْأَحْمَرُ وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَفَرُ؟ قَالَ قُسَلْنَا جُعِلَتْ فِدَاكَ وَأَيُّ شَيْءٍ فِي الْجَفَرِ الْأَحْمَرِ؟ قَالَ: السِّلَاحُ وَذَلِكَ أَنَّهَا تُفْتَحُ لِلدَّمِ يَفْتَحُهَا صَاحِبُ السَّيْفِ لِلْقَتْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۱).

گویا زیدیه ادعا کرده اند که جفر، نزد آنهاست. امام صادق علیه السلام ضمن انکار قول ایشان، از جفر به عنوان نشانه استفاده کرده و از زیدیه خواسته اند برای اثبات ادعایشان، چیزی از محتوای جفر را بیاورند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۸). این نوع مطالبه حضرت، به این دلیل است که جفر، نزد ائمه علیهم السلام بوده و از منابع علم ایشان است؛ لذا هرگز چنین منبعی در اختیار دیگری قرار نگرفته، بلکه دست به دست میان ائمه علیهم السلام منتقل شده است؛ چنان‌که بر اساس حدیثی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام شهادت خویش، جفر سفید و سرخ، جامعه و مصحف حضرت زهرا علیها السلام را به امام حسن علیه السلام ارائه کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ص ۲۱).

نتیجه

منابع علم امام بر اساس روایات، متنوع و متعددند. همچنین سهم، ارزش و اعتبار هر کدام از این منابع در ایجاد علم تام به دین یا علم خاص به غیب متفاوت است؛ اما آنچه بر اساس این مقاله حاصل شد، تفاوت سهم و اعتبار منبعیت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد علم خاص برای امام است؛ به گونه ای که می توان در شمارش منابع علم امام، تغییر جدیدی داده و منابعی چون علوم به دست آمده از قرآن کریم، جفر، جامعه و میراث انبیا را به عنوان منابع مستقل محسوب نکرد. در حقیقت پژوهشگران علم امام با تقسیم منابع علم به میراثی و الهامی، علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن کریم، میراث انبیا، جفر و جامعه را در عرض یکدیگر ذکر کرده و علوم

پیامبر ﷺ را یکی از منابع میراثی قلمداد می‌کنند؛ درحالی‌که ادعای مقاله که از طریق تحلیل احادیث به اثبات رسید، این است که تنها یک منبع میراثی مستقل وجود دارد و آن هم علم پیامبر اکرم ﷺ است. علم پیامبر اکرم ﷺ شامل علوم قرآن کریم، علوم انبیا، علم به کتب آسمانی، علم به محتوای جفر و جامعه و علم خاص خودشان است؛ لذا این منابع در کنار رسول بزرگوار اسلام ﷺ، منابع مستقل محسوب نمی‌شوند؛ چراکه قرآن کریم با لسان مبارک ایشان قرائت و تبیین و تفسیر شده است و علوم سایر انبیا نیز از طریق ایشان، به حضرت علی علیه السلام انتقال یافته است. همچنین جامعه، شامل علمی است که پیامبر ﷺ املا نموده و حضرت علی علیه السلام انشا کرده است. محتوای جفر نیز از طریق پیامبر اسلام ﷺ انتقال یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حضرت رسول اکرم ﷺ منبع علوم میراثی ائمه بوده و سایر منابع میراثی در عرض منبعیت ایشان، استقلال ندارند. همچنین حضرت علی علیه السلام در انتقال این علوم به سایر ائمه علیهم السلام قطعاً طریقت دارد. نتیجه اینکه در اعتبارسنجی منابع، هرگز نمی‌توان گفت نقش، سهم و اعتبار همه منابع به یک اندازه است. همچنین جا دارد محققان محترم در مقاله‌ای دیگر به مقایسه مقام علمی حضرت علی علیه السلام نسبت به سایر ائمه علیهم السلام بپردازند؛ چراکه ایشان بی‌واسطه صاحب علم شده و دیگر ائمه علیهم السلام در بسیاری از منابع علمی از طریق ایشان دارای دانش خاص امامت شده‌اند.

پی‌نوشت

۱. مراد از علم خاص امام، قلمرو گسترده و اکثراً موهوبی علمی امام است که شامل علم لدنی نیز هست و به خاطر مقام امامت در اختیار امام قرار داده شده است و در اختیار سایر انسان‌ها نیست. این گستره علمی، موجب امتیاز و افضلیت دانش امام بر سایر انسان‌هاست.
۲. کلینی احادیث وراثت از انبیا را در بابی با عنوان «أَنَّ الْأَئِمَّةَ، وَرَثُوا عِلْمَ النَّبِيِّ وَجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» جمع کرده است.

۳. دایره وراثت از انبیا، شامل اموری چون الواح حضرت موسی علیه السلام و عصای او، انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام، طشت قربانی حضرت موسی علیه السلام، اسمی که نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله، علم و آنچه را فرشتگان آورده اند و علم انبیا می شود: «إِنَّ عِنْدِي أَلْوَاَحَ مُوسَى وَعَصَاهُ وَإِنَّ عِنْدِي لَخَاتَمَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَإِنَّ عِنْدِي الطَّشْتَ الَّذِي كَانَ مُوسَى يُقَرِّبُ بِهِ الْقُرْبَانَ وَإِنَّ عِنْدِي الْإِسْمَ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا وَضَعَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُشْرِكِينَ لَمْ يَصِلْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ نَشَابَةً وَإِنَّ عِنْدِي لَمِثْلَ الَّذِي جَاءَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَمِثْلَ السِّلَاحِ فِينَا كَمِثْلِ الثَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ فِي أَيِّ أَهْلِ بَيْتٍ وَجَدَ الثَّابُوتُ عَلَى أَبْوَابِهِمْ أَوْتُوا الثُّبُوتَ آلَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»

۴. کلینی، احادیث مربوط به وجود کتب آسمانی نزد ائمه را در باب «أَنَّ الْأَئِمَّةَ علیهم السلام عِنْدَهُمْ جَمِيعُ الْكُتُبِ الَّتِي نَزَلَتْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» ذکر کرده که محتوای روایات، نشان می دهد، ائمه علیهم السلام به جمیع کتب آسمانی نازل شده حتی با تفاوت زبان آنها عالم بودند.

۵. منظور از «صحیفه مختومه» شاید قطعه ای قرطاس مکتوب است و شاید منظور چیزی است که امام حسین علیه السلام از اسماء، سلاح و تفصیل آنها تهیه کرده و به دست ام سلمه سپرده تا به امام بعد منتقل کند.

۶. بالجفر والجامعة وهما کتابان لعلي عليه السلام، قد ذکر فیهما علی طريقة علم الحروف الحوادث التي تحدث إلى انقراض العالم وكانت الأئمة المعروفون من أولاده يعرفونهما ويحكمون بهما وفي كتاب قبول العهد الذي كتبه علي بن موسى عليهما السلام إلى المأمون، إنك قد عرفت من حقوقنا ما لم يعرفه آباؤك فقبلت منك عهدك الآن الجفر والجامعة يدلان على أنه لا يتم.

منابع

ابن بابویه. محمد بن علی (۱۳۸۲ش)، الخصال. ترجمه یعقوب جعفری. ج ۱، قم: نسیم کوثر.

_____ (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، تهران: نشر جهان،

_____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین وتمام النعمة، ج ۲، تهران: اسلامیه.

- _____ (۱۴۱۴ق)، اعتقادات الإمامية، ج ۲، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- _____ (۱۳۷۶ش)، الأمالي، ج ۶، تهران: کتابچی.
- _____ (۱۴۰۳ق)، معاني الأخبار، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليه السلام، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، ج ۲، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۳ق)، اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بإمرة المؤمنين، ج ۱، مصحح: اسماعيل انصاري زنجاني، قم: دار الكتاب.
- ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق)، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تصحيح عبدالرزاق محمد حسين حرز الدين، ج ۱، قم: دليل ما.
- احتشامی نیا، محسن (۱۴۰۰)، «منابع و گستره علم امام در مشارق انوار اليقين برسی»، آينه معرفت، ش ۶۸، ص ۹۹-۱۲۶.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تصحيح سيد هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، تبریز: بنی هاشمی.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، أعيان الشيعة، ج ۱، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ایچی، میر سید شریف (۱۳۲۵ق)، شرح المواقف، ج ۱، قم: الشریف الرضی.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ق)، مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر عليه السلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (۱۳۶۰ش)، منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجة عليه السلام، مصحح عبداللطيف حسینی کوه کمری، قم: مطبعة الخيام.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم: الشریف الرضی.
- حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ق)، مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، ج ۱، بیروت: اعلمی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۱، بیروت: اعلمی.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.

خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ.

زیدی، سید محمد مهدی (۱۳۹۵)، «منابع علم امام از منظر اندیشمندان مدرسه کلامی قم؛ مطالعه موردی برقی، کلینی، صدوق»، مجله امامت پژوهشی، ش ۲۰، ص ۶۳-۸۴.

سبحانی، محمد جعفر (۱۳۹۳)، منابع علم امامان شیعه، تهران: مشعر.

شاکر، محمد تقی؛ ربیعی، یدالله (۱۳۹۵)، «واکاوی جایگاه رسول خدا ﷺ در دانش الهی امام»، مجله پژوهش‌نامه امامیه، ش ۱۶۳، ص ۷۳-۸۸.

شجاعی، احمد؛ فرضی پوریان، محمد (۱۳۹۶)، «تحلیلی درباره جفرو جامعه، دو منبع علم امام»، مجله کلام اسلامی، ش ۱۰۲، ص ۷۷-۹۸.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الاربعة، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، تصحیح محسن کوچه باغی، ج ۲، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۳، تهران: اسلامیه.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی.

طبری صغیر، محمد بن جریر (۱۴۱۳)، دلائل الإمامة، قم: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة.

طبری کبیر، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب ﷺ، ج ۱، قم: کوشانپور.

طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، ج ۳، تهران: مرتضوی.

علوی، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۲۸ق)، المناقب (للعلوي)، مصحح حسین موسوی بروجردی، ج ۱، قم: دلیل ما.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضة الواعظین وبصيرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، ج ۱، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی ﷺ.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، مصحح طیب موسوی جزائری، چ ۳، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ ۴، تهران: الإسلامية.
- _____ (۱۳۶۹ش)، کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، چ ۱، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- کوفی. فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰)، تفسیر فرات الکوفی، چ ۱، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.
- مازندرانی، ملاصالح (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی-الأصول والروضة، چ ۱، تهران: المكتبة الإسلامية.
- محمدزاده، الهام؛ نیرومند، رضا؛ مرتضوی، سید محمد (۱۳۹۵)، «جفر و جامعه و رابطه آنها در علم امامان شیعه»، مجله حدیث پژوهی، ش ۱۶، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ش)، إثبات الوصیة، چ ۱، قم: انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳) (الف)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳) (ب)، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
- نادم، محمد حسن؛ افتخاری، سید ابراهیم (۱۳۹۴)، «منابع علم امام از نگاه متکلمان قم و بغداد»، مجله شیعه پژوهی، ش ۲۶، ص ۵۵-۸۰.
- هاشمی، علی (۱۳۹۶)، علم امام؛ بررسی تاریخی و کلامی، قم: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالي، چ ۱، قم: الهادی.

References

- ‘Alawī, Muḥammad b. ‘Alī b. Ḥusayn al-. 1428 AH. *Al-Manāqib*. Ed. Ḥusayn Mūsawī Burūjirdī. Qom: Dalīl-i Mā.
- Amīn, Muḥsin al-. 1403 AH. *A ‘yān al-Shī’a*. Beirut: Dār al-Ta’aruf li-l-Maṭbū’āt.
- Bahā’ al-Dīn Nīlī Najafī, ‘Alī b. ‘Abd al-Karīm. 1360 Sh. *Muntakhab al-anwār al-muḍī’a fī dhikr al-qā’im al-ḥujja*. Edited by ‘Abd al-Laṭīf Ḥusaynī Kūh-Kamarī. Qom: Maṭba‘at al-Khayyām.
- Baḥrānī, Sayyid Hāshim b. Sulaymān al-. 1413 AH. *Madīnat ma’ājiz al-‘imma al-ithnay ‘ashar*. Qom: Mu’assasat al-Ma’ārif al-Islāmiyya.

- Ehteshaminia, Mohsen. 1400 Sh. "Manābi' wa gustara-yi 'ilm-i Imām dar *Mashāriq anwār al-yaqīn* bar-risī." *Āyina-yi Ma'rifat* 68: 99–126.
- Fattāl al-Nishābūrī, Muḥammad b. Aḥmad al-. 1375. *Rawḍat al-wā'izīn wa-baṣīrat al-muta'izīn*. Qom: Raḍī.
- Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin b. Shāh Murtaḍā al-. 1406 AH. *Al-Wāfi*. Isfahan: Library of Imām Amīr al-Mu'minīn 'Alī.
- Ḥāfiẓ al-Barsī, Rajab b. Muḥammad al-. 1422 AH. *Mashāriq anwār al-yaqīn fī asrār Amīr al-Mu'minīn*. Beirut: A'lamī.
- Hashemi, Ali. 1396 Sh. *The Imam's knowledge: a historical and theological study*. Qom: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Ḥaskānī, 'Ubayd Allāh b. 'Abd Allāh al-. 1411 AH. *Shawāhid al-tanzīl li-qawā'id al-tafḍīl*. Tehran: Assembly for the Revival of Islamic Culture, affiliated with the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Hilālī, Salīm b. Qays al-. 1405 AH. *Kitāb Salīm b. Qays al-Hilālī*. Qom: al-Hādī.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1425 AH. *Ithbāt al-hudāt bil-nuṣṣ wa-al-mu'jizāt*. Beirut: A'lamī.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1376 Sh. *Al-Amālī*. Tehran: Kitābchī.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1378 AH. *Uyūn akhbār al-Riḍā*. Tehran: Nashr-i Jahān.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1382 Sh. *Al-Khiṣāl*. Trans. Ya'qūb Ja'farī. Qom: Nasīm-i Kawthar.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1395 AH. *Kamāl al-dīn wa tamām al-ni'ma*. Tehran: Islāmiyya.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1403 AH. *Ma'ānī al-akhbār*. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, Jāmi'a-yi Mudarrisīn.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1414 AH. *I'tiqādāt al-Imāmiyya*. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī lil-Shaykh al-Mufīd.
- Ibn Ḥayyūn, Nu'mān b. Muḥammad al-Maghribī. 1385 AH. *Da'ā'im al-Islām*. Qom: Āl al-Bayt Institute.
- Ibn Ḥayyūn, Nu'mān b. Muḥammad al-Maghribī. 1409 AH. *Sharḥ al-akhbār fī faḍā'il al-aimma al-aṭhār*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Shahrāshūb Māzandarānī, Muḥammad b. 'Alī. 1379 AH. *Manāqib Āl Abī Ṭālib*. Qom: 'Allāma.

- Ibn Tāwūs, ‘Alī b. Mūsā. 1413 AH. *Al-Yaqīn bi-ikhtiṣāṣ mawlānā ‘Alī bi-imrat al-mu’minīn*. Edited by Ismā‘īl Anṣārī Zanjānī. Qom: Dār al-Kitāb.
- Ibn ‘Uqda Kūfī, Aḥmad b. Muḥammad. 1424 AH. *Faḍā’il Amīr al-Mu’minīn*. Edited by ‘Abd al-Razzāq Muḥammad Ḥusayn Ḥarz al-Dīn. Qom: Dalīl Mā.
- Ījī, Mīr Sayyid Sharīf. 1325 AH. *Sharḥ al-mawāqif*. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.
- Irbilī, ‘Alī b. ‘Īsā. 1381 AH. *Kashf al-ghumma fī ma’rifat al-‘aimma*. Edited by Sayyid Hāshim Rasūlī Maḥallātī. Tabriz: Banī Hāshimī.
- Khuṣaybī, Ḥusayn b. Ḥamdān al-. 1419 AH. *Al-Hidāyat al-kubrā*. Beirut: al-Balāgh.
- Kūfī, Furāt b. Ibrāhīm al-. 1410 AH. *Tafsīr Furāt al-Kūfī*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Institute.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb al-. 1369 Sh. *Kāfī*. Translated by Sayyid Jawād Muṣṭafawī. Tehran: Kitābforūshī-yi ‘Ilmiyya-yi Islāmiyya.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfī*. 4th ed. Tehran: al-Islāmiyya.
- Mas‘ūdī, ‘Alī b. Ḥusayn al-. 1384 Sh. *Ithbāt al-waṣiyya*. Qom: Anṣārīyān.
- Māzandarānī, Mullā Ṣālīḥ al-. 1382 AH. *Sharḥ al-Kāfī – al-Uṣūl wa-al-Rawḍa*. Tehran: al-Maktaba al-Islāmiyya.
- Mohammadzadeh, Elham, Reza Niroomand, and Seyed Mohammad Mortazavi. 1395 Sh. “Jafr and Jāmi‘a and their relationship in the knowledge of Shiite Imams.” *Ḥadīth-pazhūhī*, no. 16: 125-146.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad al-. 1413a AH. *Al-Irshād fī ma’rifat ḥujaj Allāh ‘alā al-‘ibād*. Qom: Kankara-yi Shaykh Mufīd.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad al-. 1413b AH. *Al-Ikhtiṣāṣ*. Qom: al-Mu’tamar al-‘Ālamī li-Alfiyya al-Shaykh al-Mufīd.
- Nadem, Mohammad Hasan and Seyed Ebrahim Eftekhari. 1394 Sh. “The sources of the Imam’s knowledge from the perspective of the theologians of Qom and Baghdad.” *Shī‘a-pazhūhī*, no. 26: 55–80.
- Qummī, ‘Alī b. Ibrāhīm al-. 1404 AH. *Tafsīr al-Qummī*. Edited by Ṭayyib Mūsawī Jazā’irī. 3rd ed. Qom: Dār al-Kitāb.
- Ṣadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1981. *Al-Hikmat al-muta‘aliya fī al-asfār al-aqliyya al-arba‘a*. 3rd ed. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth.
- Ṣaffār, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1404 AH. *Baṣā’ir al-darajāt fī faḍā’il Āl Muḥammad*. Ed. Muḥsin Kūcha-Bāghī. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.

- Shaker, Mohammad Taghi and Yadollah Rabiee. 1395 Sh. "An analysis of the Prophet's status in the Imam's divine knowledge." *Pazhūhishnāmih-yi Imāmiyya*, no. 163: 73-88.
- Shojaei, Ahmad and Mohammad Farzi Pourian. 1396 Sh. "An analysis of Jafr and Jāmi'a: two sources of the Imam's knowledge." *Kalām-i Islāmī*, no. 102: 77-98.
- Sobhani, Mohammad Jafar. 1393 Sh. *Sources of the knowledge of Shiite Imams*. Tehran: Mash'ar.
- Ṭabarī al-Kabīr, Muḥammad b. Jarīr al-. 1415 AH. *Al-Mustarshid fī imāmat 'Alī b. Abī Ṭālib*. Qom: Kūshānpūr.
- Ṭabarī al-Ṣaghīr, Muḥammad b. Jarīr al-. 1413 AH. *Dalā'il al-imāma*. Qom: Qism al-Dirāsāt al-Islāmiyya, Mu'assasat al-Ba'tha.
- Ṭabarī, Aḥmad b. 'Alī al-. 1403 AH. *Al-Iḥtijāj 'alā ahl al-lijāj*. Mashhad: Nashr-i Murtaḍā.
- Ṭabarī, Faḍl b. Ḥasan al-. 1390 AH. *I'lām al-warā bi-a'lām al-hudā*. Tehran: Islāmiyya.
- Taftāzānī, Sa'd al-Dīn al-. 1409 AH. *Sharḥ al-maqāṣid*. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.
- Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn b. Muḥammad al-. 1375 Sh. *Majma' al-baḥrayn*. Tehran: Murtaḍawī.
- Zeidi, Seyed Mohammad Mahdi. 1395 Sh. "Sources of the Imam's knowledge from the perspective of scholars from the theological school of Qom: a case study of al-Barqī, al-Kulaynī, and al-Ṣadūq." *Imāmat-pazhūhī*, no. 20: 63-84.